

دعوت از همه فعالین رادیکال و انقلابی جنبش زنان!

طی دهه های اخیر، گرایشات رادیکال و انقلابی زنان اعم از سوسیال – فمنیست ها، رادیکال فمنیست ها، سوسیالیست ها و کمونیستها علیرغم فعالیت پیگیرانه در جنبش زنان عموماً فضائی مستقل برای بیان عقاید و ایده های خود نداشته اند.

جمع ما* از گرایشات گوناگون چپ و کمونیستی زنان برآن شدیم تا فضا و مکان مناسبی برای بحث و گفتگو حول **افق و دورنما، پیشروی ها، ضعف ها و محدودیت های جنبش زنان** فراهم آوریم. با همکاری خود در این نشست، گرایش انقلابی و رادیکال درون جنبش زنان را تقویت کنید.

برای شرکت در بحث و گفتگو و ارائه سخنرانی با ارسال فشرده آن با ئی میل زیر تا تاریخ ۱۰ فوریه ۲۰۱۲ با ما تماس بگیرید.

زمان: جمعه ۶ تا یکشنبه ۸ آوریل ۲۰۱۲

مکان:

Jugendherberge Horner Rennbahn

Rennbahnstr. 100

22111 Hamburg

www.Jugendherberge.de/jh/hamburg-horn

با ما با این ئی میل تماس Zanane.chap@live.com

۱۰/۰۱/۲۰۱۲ بگیرید:

***فراخوان:**

زنان مبارز و انقلابی!

به جرات می توان گفت که طی سی و دو سال حاکمیت جمهوری زن ستیز اسلامی زنان پویا ترین قشر اجتماعی بودند که بطور دائم علیه این رژیم مبارزه و مقاومت کرده اند. تمام عمرتنگین جمهوری اسلامی با این تخصم اجتماعی رقم خورده است و همه گروهها و احزاب و جریانات سیاسی و طبقاتی مختلف را مجبور به موضع گیری کرده است.

جناح رفرمیست و محافظه کار جنبش زنان که دیدگاهها و منافع زنان طبقات مرفه جامعه را نمایندگی می کند، خواهان

اصلاحاتی جزئی در قوانین جمهوری اسلامی است و آن را «راه» دستیابی زنان ایران به «آزادی و برابری» می‌داند.

اما گرایش‌های رادیکال و انقلابی زنان که از همان فردای ۸ مارس ۱۳۵۷ پا به میدان مبارزه سازمانیافته علیه جمهوری اسلامی گذاردند گام ابتدائی و اولیه در راه رهایی زنان را در سرنگونی کامل جمهوری اسلامی و جدائی قطعی دین از دولت می‌دانند. این جناح از جنبش زنان علاوه بر موضع‌گیری روشن در مورد اینکه رسیدن زنان به هیچ سطح از «آزادی و برابری» در چارچوب جمهوری اسلامی ممکن نیست، در شرایطی که «دعای میان امپریالیسم و بنیادگرایی اسلامی صحنه سیاست جهانی را رقم می‌زد (و کماکان مولفه مهمی از اوضاع جهان است) با صراحت اعلام کرد که هر دوی این‌ها نماینده‌ی نظام‌های اجتماعی هستند که فرودستی زن و ستم جنسیتی بخشی لاینفک از آنان است و جنبش زنان باید مستقل از هر دو تکامل یابد و برای رهایی خود مبارزه کند.

تفاوت میان دو راه و دو افق و دو برنامه در جنبش زنان بخصوص در دهسال اخیر برجسته‌تر از هر زمان دیگر شده است. با این وصف هنوز توازن قوا به نفع گرایش رادیکال و انقلابی برهم نخورده است. این امر در شرایطی که جامعه ما می‌تواند بسرعت به سوی یک تعیین تکلیف سیاسی برود خطر مهمی برای جنبش رهایی زنان است. زیرا نیروهای بورژوائی جنبش زنان به طور قطع تلاش خواهند کرد انرژی مبارزاتی زنان ایران را دست مایه بازسازی نظام ستم و استثمار کهن در اشکالی نوین کنند.

مبارزه برای برهم زدن این توازن قوا کماکان در دستور کار ما است. اما دست‌یابی به آن در گرو حرکت متمرکزتر و تکاپوی بیشتر زنان کمونیست است. هر چند زنان کمونیست همواره هسته مرکزی و سازش‌ناپذیر و پیگیر گرایش رادیکال در جنبش را تشکیل داده‌اند، اما برنامه و افق کمونیستی در جنبش زنان آنچنان که باید پُر واک نیافته و همواره در پس پرده قرار گرفته است. حال آنکه در زمینه رهایی زنان از قید ستم، کمونیسم رادیکال‌ترین فکر و تلاش تاریخ بشر بوده است. رهایی انسان از جهنم جامعه طبقاتی و رهایی کامل زن از قید ستم کاملاً به یکدیگر وابسته‌اند و این دو با رسیدن جامعه بشری به کمونیسم (که در آن نه از روابط سنتی مالکیت اثری است و نه از افکار سنتی) متحقق خواهند شد.

ما در آستانه دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی ناگزیری ایستاده‌ایم. بدون شک زنان نیروی اجتماعی بزرگ و تاثیرگذاری در تغییر و تحولات سیاسی آینده ایران خواهند بود. اما سوال اینجاست که به نفع چه طبقه و برنامه‌ای عمل خواهند کرد؟ آیا قادر خواهند بود برنامه، افق و سمتی را در پیش بگیرند که منطبق بر رهایی کامل زنان باشد؟ آیا قادر خواهند بود تشخیص دهند که عمیق‌ترین منافعشان در دگرگونی انقلابی نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیک در ایران است؟

این مسئله به طور تعیین‌کننده‌ای وابسته به دخالتگری زنان کمونیست انقلابی در جنبش زنان است. دخالتگری نظری و عملی آنان می‌تواند در جابجایی تناسب قوای موجود در جنبش زنان نقش بالائی را ایفا کند و از این طریق بر کل صحنه سیاسی و صف‌آرایی طبقاتی در ایران تاثیر گذارد. باید با جدیت افق و برنامه کمونیستی در مورد امر رهایی زنان را شفاف کنیم و دست به تلاشی عظیم و جسورانه در فراگیر کردن آن بزنیم تا برنامه و افق کمونیستی تبدیل به قطب تاثیرگذاری در جامعه شود.

به جرات می‌توان گفت اگر کمونیسم واقعی تبدیل به قطب تاثیرگذاری در جنبش زنان نشود مبارزات زنان ایران برای رهایی کامل در نیمه راه مانده و حتی می‌توان گفت انرژی رها شده از این مبارزات دست مایه نوسازی نظام ستم و استثمار در اشکال جدید خواهد شد.

در شرایطی که توده‌های مردم بیزار از شکاف‌های طبقاتی و فقر و استثمار، ستم دینی و جنسیتی، رواج جهل و سنت‌های عقب‌مانده، بی‌حقوقی و ستم‌گری ملی، دست به اعتراض و شورش و مبارزه می‌زنند، افق و برنامه انقلاب کمونیستی می‌تواند خشم زنان را به نیروی قدرتمندی در راه سرنگونی جمهوری اسلامی تبدیل کند. این حرکت نه فقط در ایران بلکه در کل خاورمیانه و جهان گام مهمی در جهت رهایی بشریت بوده و مسیر حرکت مبارزات رهایی‌بخش را روشنایی خواهد بخشید.

اما بر کسی پوشیده نیست که گرایش‌ها گوناگونی در میان زنان کمونیست هست. در نتیجه فرآیند شفافیت بخشیدن به افق و برنامه کمونیستی در زمینه مبارزه رهایی بخش زنان، ضرورتاً نیازمند دامن زدن به بحث و جدل و جوشش فکری است. برای فراگیر کردن دورنمای کمونیسم و دامن زدن به بحث در میان زنان رادیکال و انقلابی و کل جامعه، بر آنیم که کنفرانس هائی را به حول: جنبش رهایی زنان نیاز به کدام افق دارد؟ ساختار ستم بر زن در کارکرد نظام کنونی حاکم بر جهان چه جایگاهی دارد؟ مبارزه علیه آن در برنامه و افق کمونیستی چه جایی دارد؟ کدام پراتیک مشخص جهت بر هم زدن توازن قوای موجود در جنبش زنان مورد نیاز است. و ... سازماندهی کنیم.

(زمان و محل اولین کنفرانس در اطلاعیه ای جداگانه منتشر خواهد شد.)

فریده رضائی، آذر درخشان، زمان مسعودی، صدیقه محمدی، ثریا فتاحی و لیلا پرنیان

۲۹/۱۰/۲۰۱۱